

مؤثرترین شیوه‌های «جذب مخاطب» با محوریت ادب تعلیمی در بوستان و گلستان سعدی با اثرپذیری از قرآن کریم

زینب ترابی^۱
کبری نودهی^۲
ابراهیم ابراهیمی^۳

چکیده

انس سعدی با قرآن کریم، به‌عنوان والاترین جلوه‌گاه فرهنگ اسلامی، میزان اثرپذیری وی از قرآن را بسیار نظرگیر نمود. برخی از عمده‌ترین مولفه‌های قرآنی که سعدی به‌شدت متأثر از آنها بود، عبارتند از: تعلیمی بودن بوستان و گلستان به‌عنوان محوری‌ترین ویژگی برداشت شده از قرآن، سادگی و روشنی کلام، حکایت‌ها و مثل‌ها، زبان مطایبه و طنز، آهنگین بودن کلام و ایجاز هنرمندانه. پژوهش حاضر، ادب تعلیمی و برخی ابزارهای تفهیم آن را به‌منزله‌ی مؤثرترین شیوه‌های جذب مخاطب در قالب مطالعات میان‌رشته‌ای در قرآن و شاهکارهای سعدی مورد بحث قرار داده است. روش تحقیق نظری-استنادی و مبتنی بر داده‌های قرآنی بوده و هدف نوشتار حاضر آن است که با تبیین برخی راهکارهای اثرگذاری بر مخاطب، تاثیر فرهنگ قرآنی بر دیدگاه سعدی را در این زمینه بررسی نماید. داده‌های پژوهش نشان داد که عمده‌ترین عامل توفیق سعدی در اثرپذیری از قرآن، انتخاب نوع ادبی ادبیات تعلیمی با زبانی بسیار ساده و همه‌فهم بود که ضمن رعایت زبان موسیقایی و لحن کلام برگرفته از ایجاز و اعجاز قرآن کریم، اثرپذیری هنرمندانه‌ی خود را از این منبع لایتناهی به حد اعلی رسانید؛ به‌گونه‌ای که همین بهره‌گیری عمیق از آموزه‌های قرآنی را می‌توان راز رسیدن به نوعی التذاذ ادبی پس از مطالعه‌ی شاهکارهای سعدی برشمرد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، جذب مخاطب، ادب تعلیمی، بوستان، گلستان

مقدمه

**تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۳

torabi05@yahoo.com

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران (نویسنده مسئول) Koobranodehi@gmail.com

dr.e.e.078@gmail.com

۳- گروه هیات و علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، اراک، ایران

ادبیات و دین دو نمونه‌ی برجسته از مولفه‌هایی هستند که در کنار هنر و سایر مولفه‌ها، فرهنگ یک ملت را تشکیل می‌دهند. در تاریخ ایران زمین نیز با آن سابقه‌ی دیرینه و پرافتخار ایرانیان، تجلی فرهنگ در ابعاد مختلف زندگی ملت‌ها آشکار است و تاریخ، شاهدهی است بر این مدعا که نشان می‌دهد عجبین شدن هنرمندانه‌ی ادبیات و دین همواره شگفتی‌آفرین بوده و لذتی جاودانه بر جای می‌گذارد که موجبات ماندگاری آثار هنری را فراهم می‌آورد. شواهد ادبی و هنری این قبیل آثار در ایران متعدد است، لیکن روی سخن در این مقال با سعدی شیرازی است که از کتاب دینی مسلمانان به بهترین و هنرمندانه‌ترین وجه بهره‌ها برده است و با دقت و درایتی عمیق دریافته است که چگونه خداوند متعال تعالیمش را با انشای کلام و ارسال پیام به آدمیان ابلاغ فرموده و راه رستگاری را با چه شیوه‌های متنوعی به آدمیان نموده است.

بزرگانی که بعد از طلوع خورشید اسلام با هنر سخن و سخنوری به دنیای ادب گام نهادند، از همان آغاز دست نیاز بر آستان پربرکت قرآن کریم دراز کردند و ضمن بهره‌گیری از انوار روشنائی‌بخش آن، اندیشه‌های خود را با سخته‌ترین ترکیبات و گویاترین تعبیر و تصاویر کلام الهی جلا دادند. سعدی شیرازی در شمار موفق‌ترین این سخنوران است که استفاده از شیوه‌های قرآنی در آثار وی بسامدی چشمگیر دارد. سعدی در زمینه‌های متعدد، کلام خود را با قرآن و شیوه‌های قرآنی آراست و ضمن اثرپذیری هوشمندانه از روش‌های متعدد جذب مخاطب در قرآن کریم، علاوه بر اثرپذیری مستقیم از این منبع لایزال الهی، بطور غیرمستقیم نیز از آن بهره‌ها جست و از صناعات قرآنی الهام گرفت.

در میان شاهکارهای ادب فارسی آثار سعدی از منابع ارزشمندی است که مبین عشق و ارادت عمیق او به دین اسلام بوده و نشان می‌دهد که وی به تبعیت از فرهنگ اسلامی، عنایت خاصی به مسایل تربیتی و اخلاقی دارد. سعدی به گواهی آثارش نظرگاهی دینی دارد و از همین روی است که آشنایی با آیات و روایات و تسلط بر آموزه‌های دینی را در آثار وی قابل ستایش می‌بینیم. بهره‌گیری بجا و شایسته از آیات و مفاهیم قرآنی از بارزترین ویژگی‌های سخن اوست که از همان آغاز در بوستان و گلستان رخ می‌نماید و از این منظر شایسته است که قرآن کریم را الگوی اصلی سعدی در تدوین بوستان و گلستان برشمرد. بر این مبنا بررسی اثرگذارترین شیوه‌های جذب مخاطب به تاسی از قرآن کریم، اولویت جستار حاضر را شامل می‌شود.

پیشینه

جهان‌بینی فکری ایرانیان ثمره‌ی اندیشه‌های ایرانی - اسلامی است و انتقال این اندیشه‌ها در قالب میراث فکری، اعتقادی و علمی از کارکردهای ادبیات است و این شاخصه موجب شده که ایرانیان از دیرباز ادبیات را زبان فرهنگی و آینه تمام‌نمای هویت خویش بدانند. از این منظر، ادبیات ایرانی افزون بر جنبه ادبی، ویژگی‌های گوناگون دیگری نیز دارد که موجب شده بسیاری از هنرمندان ایرانی از جمله سعدی شیرازی، ادب فارسی را ابزار بیان اندیشه‌ها و آموزه‌های اعتقادی خود قرار دهند. تجارب سعدی در بوستان و گلستان به صورت منظم و طبقه‌بندی مطرح نشده است، بلکه سعدی مقصود خود را در قالب زبانی ساده و پویا با اثرپذیری هوشمندانه از مفاهیم و آموزه‌های قرآن کریم در قالب ادب تعلیمی بیان می‌کند. از این منظر، اگرچه نویسندگان و محققان بسیاری در شرح احوال و آثار سعدی قلم زده‌اند، هیچ‌یک از پژوهش‌های انجام شده به‌طور مستقیم و جدی به اثرپذیری سعدی از قرآن کریم با موضوع خاص «جذب مخاطب» نپرداخته‌اند و تنها اشاره‌ای گذرا به بخشی از مباحث گوناگون آن داشته و غالباً این مسئله را صرفاً از جنبه‌های معانی و بیان بررسی کرده‌اند که به نمونه‌هایی از این دست اشاره می‌گردد:

- بابایی، رضا، (۱۳۸۵)، «درآمدی بر مخاطب‌شناسی»، فصلنامه پیام، شماره ۷۷، صفحه ۴ تا ۲۴. هدف عمده‌ی این مقاله، جذب حداکثری مخاطبان رسانه است و عمده‌ی تلاش پژوهشگر حول این مولفه می‌چرخد. از سوی دیگر، این مقاله به جای پرداختن به شیوه‌های جذب مخاطب، تنها بر اهمیت مخاطب‌شناسی تاکید کرده است.

- حسین‌پور، ابوالقاسم، (۱۳۹۱)، «صحنه‌پردازی و پیوند آن با دیگر عناصر داستان در حکایات گلستان و بوستان سعدی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه حکیم سبزواری. گرچه تلاش نگارنده در پرداختن به این موضوع بسیار ستودنی است اما ایراد عمده‌ی این اثر که جای آن در پژوهش حاضر بسیار خالی است، نداشتن هیچ‌گونه اشاره‌ای به قرآن کریم و اثرپذیری سعدی از حکایت‌ها و قصص قرآنی به ویژه در زمینه‌های بارزی نظیر ایجاز، واقع‌گویی، کلام آهنگین و... می‌باشد که حتی در حد چند صفحه یا چند سطر به این موضوع اشاره نکرده است.

- کرمی، میرجلیل (۱۳۷۴)، «تاثیر دقایق و لطایف بلاغی قرآن کریم در ادب فارسی (آثار حکیم سنایی، سعدی، حافظ)»، پایان‌نامه دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس. اگرچه نگارنده

تلاش زیادی در نمایاندن اثرپذیری این سه شاعر از قرآن کریم داشته است، لکن از این منظر که می‌توانسته به‌عنوان متقن‌ترین راهکار، شگردی در جهت جذب مخاطبان باشد سخنی به میان نیآورده است و صرف اثرپذیری چند شاعر از قرآن کریم را به عنوان نکته‌ی برجسته‌ی تحقیق، که موضوعی بسیار کلی و قابل تعمیم می‌باشد، بررسی کرده است. از این منظر، جای پژوهشی که نمایانگر شگردهای قرآن کریم در جذب مخاطب و اثرپذیری نویسندگان و شاعران از قرآن کریم به عنوان الگوی جامع و مانع باشد، همچنان در میان پژوهش‌ها خالی می‌نماید.

اثرپذیری و اثرگذاری سعدی

قرآن کریم سنگ بنای فرهنگ و تمدن باشکوه اسلامی است که آثار برجسته‌ی آن در تمامی زوایای زندگی مسلمانان جلوه‌گر است. ادب پارسی به‌عنوان غنی‌ترین جلوه‌گاه ظهور قرآن کریم، شاعران و نویسندگان ارجمندی به خود دیده که همگی متأثر از این کتاب آسمانی، از آن سرچشمه‌ی لایتناهی بهره‌ها برده و این اثرپذیری را به انحاء مختلف در آثار خود نشان داده‌اند. در این میان، سعدی شیرازی از شاخص‌ترین ارکان تاریخ ادب پارسی است که شعر و نثر وی مملو از مضامین و اشارات قرآنی است؛ به‌گونه‌ای که بدون فهم آیات و روایات، درک و دریافت حجم عمده‌ای از آموزه‌های وی میسر نیست.

اثرپذیری سعدی از آیات و روایات بسیار متنوع و به صورت مختلف می‌باشد و از آن‌جا که افق نگاه سعدی همواره بر فراز قله‌های ادب تعلیمی پرواز می‌کند، بهره‌گیری از آیات قرآن کریم در شاهکارهای وی بسیار فراوان است. تاثیر ذی‌قیمت سعدی در شاکله‌ی هویت فکری- فرهنگی ایرانیان مهم‌ترین نکته‌ای است که سعدی را از دیگر نویسندگان و شاعران ادب پارسی متمایز می‌کند و عمده‌ترین عامل این اثرگذاری، اثرپذیری سعدی از قرآن کریم می‌باشد؛ زیرا سعدی با گشودن راهی نو در زبان - که امروز به‌عنوان سهل و ممتنع می‌شناسیم - مفاهیم ادبی و تعلیمی را به زبانی ساده و شیوا و در عین حال سرشار از جزالت و فخامت خلق کرد.

اگرچه غالب علوم بلاغی به روش‌های جذب مخاطب پرداخته و بخش عمده‌ای از بلاغت را نوشتن به اقتضای حال دانسته‌اند، لیکن آنچه در این جستار بررسی می‌گردد، جنبه‌های بلاغی یا معانی و بیان در شاهکارهای سعدی نیست؛ زیرا نویسندگان مختلف مکرر در این مورد داد سخن داده‌اند و درمورد اثرپذیری سعدی از قرآن کریم پژوهش‌های مختلفی انجام داده‌اند. آنچه مد نظر این مقال است

جنبه‌های برجسته‌ای است که مبین قریحه‌ی سرشار سعدی در خلق بوستان و گلستان است و بخشی از راز موفقیت سعدی در جذب بالای مخاطب و راز ماندگاری شاهکارهای او را ثابت می‌کند. در این جستار به ادب تعلیمی به‌عنوان محوری‌ترین مصداقی که متأثر از قرآن کریم، کارمایه‌ی آفرینش شاهکارهای سعدی بوده است، پرداخته خواهد شد.

ادب تعلیمی، محوری‌ترین ویژگی برگرفته از قرآن کریم

قرآن کریم کتابی است آسمانی که باطنی عمیق، ظاهری زیبا و بیانی شیرین دارد؛ مشعل فروزانی که هرگز به خاموشی نمی‌گراید و تازگی‌هایش رنگ کهنگی به خود نمی‌گیرد. معجزه‌ی خارق‌العاده‌ای که با لحن استوار و هنرنمایی‌های خاص خود در لفظ و معنی، خود را کتاب هدایت معرفی می‌کند: «هَذَا بَيِّنٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى» (آل عمران/۱۳۸) تا راه درست هدایت و سعادت را بنمایاند. بر مبنای همین ویژگی، غالب نویسندگان و شاعران ادب پارسی نیز از دیرباز توجهی ویژه به این رسالت داشته و در آثار منظوم و منثور خود به تاسی از قرآن کریم به ادبیات تعلیمی روی آورده‌اند.

به‌طور کلی ادب تعلیمی به مفهوم تبیین آموزه‌های تربیتی، مفاهیم اخلاقی و اندیشه‌های دینی و حکمی است که در قالب مضامین اندرزگونه و با هدف تعلیم و تربیت ارائه می‌گردد. تاریخ ادبیات ایران در این زمینه چهره‌های شاخصی به خود دیده که با انتخاب آگاهانه‌ی ادب تعلیمی در آثار فاخر خود، جهانی شده‌اند. سعدی شیرازی در شمار مطرح‌ترین آن‌هاست که هنر خود را در این قالب بروز داده است. از دیگر سو، آنچه بیش از همه در تاریخ ادبیات ایران رسوخ یافته و به لطافت بیان و دقت اندیشه‌ی آن غنا و ژرفا بخشیده، علوم اسلامی به‌ویژه اندیشه‌های قرآنی است و در این بین نیز بی‌گمان سعدی شیرازی از بنام‌ترین سخن‌سرایانی است که اندیشه‌های بلند او نامش را به شایستگی در جهان گسترانیده است. آشنایی سعدی با فرهنگ و معارف اسلامی و الگوبرداری شایسته از قرآن کریم، جلوه‌ای خاص به آثار گران‌سنگ وی بخشیده است و سعدی بر همین مبنای بوستان و گلستان مباحث اخلاقی و تربیتی مهمی پیرامون زندگی و انسان بیان می‌کند و بر این باور است که هدف از تبیین گزاره‌های دینی و حکمی در قالب مضامین پندگونه و عبرت‌آمیز، دستیابی به سعادت اخروی است. «ادبیات جلوه‌گاه اخلاق است و زبان اخلاق؛ اخلاق چون به ادبیات پیوند یابد، ماهیت هنری پیدا می‌کند. اندرزنامه، گلستان می‌شود، بوستان می‌شود، قصیده‌ها و غزلیات سعدی می‌شود» (موحد، ۱۳۸۷: ۳).

سعدی توجه به مسائل اجتماعی و بایدها و نبایدهای اخلاقی را از اولویت‌های جامعه می‌داند و با بکار گرفتن شگردهای خاص خود در جلب توجه مخاطب، با زبانی رسا و اثرگذار، نصایح ارزشمند و عبرت‌ها و حکمت‌های مدنظر خود را در نمایشگاهی زیبا و جذاب از کلمات و عبارات نغز و دلکش به مخاطب عرضه می‌نماید. این قدرت هنرنمایی و موفقیت وی در جذب مخاطب موجب شده سیمای سعدی به‌عنوان یک معلم نمونه‌ی اخلاق در نظر اکثر مردم غالباً به‌صورت پیری خردمند با کوله‌باری از دانش و تجربه تصور شود. به‌عنوان مثال، آنجا که با قند کلامش به مخاطب می‌آموزد که تعلیم و تربیت باید از همان آغاز کودکی انجام گیرد، دغدغه‌ی خود را از این مهم ضمن حکایتی در قالب دو بیت شعر این‌گونه ابراز می‌نماید:

هرکه در خردیش ادب نکنند در بزرگی فلاح از او برخاست
چوب تر را چنان که خواهی پیچ نشود خشک جز به آتش، راست

(گلستان، ۱۳۸۴: ۱۵۵).

اشتمال حجم عمده‌ای از آیات و روایات بر موضوع تعلیم و تربیت اسلامی و درک عمیق سعدی به‌عنوان شاعر اخلاق‌گرای ادب فارسی از این مهم، موجب شده که وی یک فصل از بوستان و یک باب از گلستان خود را به این موضوع اختصاص دهد. بوستان سعدی به‌عنوان یکی از عالی‌ترین نمونه‌های ادبیات منظوم حاوی نکات مهم تربیتی و حکمی است که در آن نغزترین و غنی‌ترین منظومه‌های پندآموز سعدی متجلی شده است. «بوستان متعالی‌ترین اوج معنی‌گرایی - ایدئالیسم - در شعر تعلیمی فارسی است و سادگی و ژرف‌نگری بیان سعدی آن را از آثار پیشروان این شیوه (سنایی و خاقانی) متمایز می‌سازد» (زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۲۰). سعدی در همان ابیات آغازین باب تربیت در بوستان، ضمن یادآوری فردای قیامت، آدمی را به کم‌گویی فرا می‌خواند:

زبان درکش ای مرد بسیاردان که فردا قلم نیست بر بی‌زبان

(بوستان، ۱۳۸۴: ۱۵۳).

گلستان سعدی نیز به‌عنوان شاهکار کم‌نظیر تاریخ نثر ایران مملو از نکات ارزنده‌ی آموزشی و تربیتی به زبانی ساده و واقع‌گرایانه است که در آن، دنیا و انسان همان‌گونه که هستند، نمایانده شده‌اند و آنچه در کانون توجه این کتاب واقع شده، توجه ویژه به مسائل تربیتی و اخلاقی است که سعدی به انحاء مختلف این هدف را در سرتاسر گلستان دنبال می‌کند و ضمن پرداختن به متن آیات و روایات

در این موارد، مفاهیم تربیتی و آموزنده را با هدف جذب مخاطب و اثرگذاری بیشتر، در قالب حکایت و تمثیل و اکثراً به شیوه‌ی غیرمستقیم به مخاطب عرضه می‌کند. از همین روی است که «کلام او تلخی موعظه و نصیحت را ندارد، بلکه چنان خوشایند است که خواننده با ذوق و شوق تمام آن تعالیم را که سعدی به صورت ترغیب یا تحذیر بیان کرده، به گوش جان می‌شنود و بکار می‌بندد» (بستانی کوهنجانی، ۱۳۹۱: ۱۶). به عنوان نمونه، سعدی بجای آن‌که به طور مستقیم بر معایب عیب‌گویی - که در قرآن کریم نیز از آن نهی شده است - پردازد، با ایجازی هنرمندانه در یک بیت به مخاطب یادآوری می‌کند که هرکس بار گناه خود را بر دوش می‌کشد و نباید از معایب دیگران ایراد بگیرد:

هر که حَمالِ عیبِ خویشتیند طعنه بر عیبِ دیگران مزیند

(گلستان، ۱۳۸۴: ۱۴۸).

قرآن کریم کتاب وحی الهی است که به محکم‌ترین و صحیح‌ترین راه هدایت می‌کند: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (اسراء / ۹). هنر سعدی نیز بیان محکم و متقن تعالیم دینی و آموزه‌های قرآنی به زبان خاص اوست. «هنر سعدی آن بوده که بر قامت حکمت عملی، جامه‌ی زیبایی از ادب فارسی پوشانده است. کاری که سعدی کرده، این بود که نصیحت و موعظه و اخلاق و در یک کلمه «حکمت عملی» را چنان زیبا بیان کرده که سخن نصیحت‌آمیز او مقبول خاص و عام شد و به دور و نزدیک جهان رفته است. سعدی حکمت عملی را به پای «کبوتر نامه‌بر» سبک‌بال تیزپرواز شعر و ادب خود بسته و آن را در همه آفاق زبان فارسی و معارف اسلامی، کران تا کران به پرواز درآورده است. از جمله جهات مهمی که باید در توجه به آثار سعدی مورد نظر ما باشد، بررسی و ارزیابی این آثار از لحاظ «آموزش حکمت عملی» است. تنها برای سلاطین و ملوک نبوده که سعدی در ساغر زرین شعر خود، داروی پند و اندرز می‌ریخته، بلکه برای توده مردم نیز چنین می‌کرده است. ما گمان می‌کنیم که فقط قدرت‌مندان و زورمندانند که از نصیحت می‌گریزند و حال آن‌که قدرت‌طلبی در درون هر یک از ما ریشه‌ای عمیق دارد و سعدی با روان‌شناسی اجتماعی هوش‌مندانه خود، داروی تربیت را با شکر هنر و ذوق خود آمیخته و به همگان خورانده است» (حداد عادل، ۱۳۶۴: ۱۴۱).

تنوع روش‌های جذب مخاطب در قرآن کریم و شاهکارهای سعدی

برجسته‌ترین نکته در زمینه‌ی جذب مخاطب در قرآن کریم استفاده از روش‌های متنوع و متفاوت است. «تعدد و تنوع روش در مواجهه با مخاطب، قرآن را کتابی جامع و نافذ کرده است. این کتاب بزرگ از پیروان خود نیز خواسته است که در گفت‌وگو با دیگران به یک راه و روش بسنده نکنند. در سوره‌ی نحل سه گونه مفاهمه و گفت‌وگو را پیش می‌نهد: "أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ؛ به راه پروردگارت با حکمت و پندهای پسندیده فراخوان و با آنان به شیوه‌ای که بهتر است مجادله [و مقابله] کن؛ چراکه پروردگارت داناتر است که چه کسانی از راه او به در افتاده‌اند و هم او به رهیافتگان داناتر است» (بابایی، ۱۳۸۵: ۱۰). از آنجا که مقصود اصلی آثار تعلیمی، آموزش و تبیین آموزه‌های دینی و اخلاقی است، همواره از راه‌هایی که منجر به جذب حداکثری و اثرگذاری بیشتر شود، استقبال می‌کنند. از این روی «اگر دعوت‌های دینی با زبانی انجام شود که مردم آن را بیشتر می‌پسندند و بهتر می‌فهمند، به آسانی مورد پذیرش آنها واقع خواهد شد» (بستانی، ۱۳۷۱: ۸). سعدی نیز به همین سبک و سیاق، تعدد و تنوع شگردهای جذب مخاطب را مدنظر قرار داده و افزون بر بکارگیری بجا و هنرمندانه‌ی مصادیق مختلف معانی و بیان در شاهکارهای خود، از شیوه‌های قرآنی بهره‌ی فراوان برده است. آنچه در ادامه بدان پرداخته خواهد شد، برخی از شیوه‌های موثر در جذب مخاطب است که سعدی با درک عمیق خود از اهداف و شیوه‌های قرآنی و با انگیزه‌ی اثرگذاری بر مخاطب، آن را کارمایه‌ی آفرینش شاهکارهای خود قرار داده و برای انتقال مفاهیم ادب تعلیمی به خدمت گرفته است.

الف- سادگی و روانی سخن، لازمه‌ی آموزش و تعلیم: تعلیم قرآن کریم با هدف هدایت تمامی انسان‌ها به زبانی ساده و رسا نازل شده است: «وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ» (قمر / ۱۷)؛ تا برای همگان قابل درک و فهم باشد. از آنجا که ساده‌گویی و آسان‌نویسی یکی از بهترین راه‌های جذب مخاطب است، این ویژگی مهم در چندین سوره یادآوری شده است: «فَاتَمَّا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (دخان / ۵۸). همچنین قرآن کریم بارها با واژه‌هایی نظیر «مبین» به معنای آشکارکننده و «عربی» به معنای روشن و روان، بر این دو ویژگی تاکید کرده است: «وَ لَقَدْ نَعَلَّمْهُمْ أَنْهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَ هَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ» (نحل / ۱۰۳). پر واضح است که بکار بردن کلمات ثقیل یا عبارات پیچیده از حوصله‌ی مخاطب خارج است و به‌شدت از اثرگذاری متن می‌کاهد.

سعدی به عنوان یک مسلمان تالی قرآن، با هنرمندی تمام در شاهکارهای خود از آیات قرآن بهره بسیاری برده است. «در گلستان آیه و حدیث و شعر و مثل تازی نیز هست ولی اکثراً چنان با نسج کلام آمیخته و بجا و به‌موقع است که نه تنها مانعی در القاء اندیشه پدید نیاورده، بلکه بر رسایی سخن افزوده و آن را شیرین و نمکین کرده است» (یوسفی، ۱۳۸۶: ۲۷۵). در واقع اوج هنر سعدی زمانی نمایان می‌شود که در یابیم سعدی به‌عنوان یک معلم نمونه‌ی اخلاق، هنگامی که در محضر قرآن کریم قرار می‌گیرد، طفل نوآموز و بااستعدادی می‌شود که با تواضعی ستودنی از جلوه‌های هنری و جذابیت‌ها و رازهای پیدا و پنهان قرآن کریم کمال بهره را می‌برد و آن ویژگی‌ها را به نحو شایسته در آثار خود منعکس می‌کند. سادگی و روشنی کلام از شاخص‌ترین این ویژگی‌هاست که به خوبی در گلستان جلوه‌گر است و زرین‌کوب (۱۳۷۹: ۱۲۸) سادگی و روشنی را صفت بارز شیوه‌ی گلستان خوانده است. به‌عنوان نمونه، سعدی در ضمن حکایتی از زبان مردی مست که بر سر راه افتاده و عابدی به دیده‌ی خواری در وی می‌نگرد، عبارتی از قرآن کریم را از زبان آن مرد بیان می‌کند: «یکی بر سر راهی مست خفته بود و زمام اختیار از دست رفته؛ عابدی بر وی گذر کرد و در آن حالت مستقیم او نظر کرد. مست سر بر آورد و گفت: وَإِذَا مَرَّوَا بِاللَّغْوِ مَرَّوَا كِرَامًا» (گلستان، ۱۳۸۴: ۱۰۴). و به همین سادگی این تعبیر قرآن کریم را به مخاطب تفهیم می‌نماید. با این‌همه باید توجه داشت که سخن سعدی از این جهت قدرت جذب و اثرگذاری بالاتری نسبت به سایرین دارد که در عین سادگی و زیبایی، از قوت الفاظ و انسجام کلمات و تازگی افکار برخوردار است و بر مبنای اصول فصاحت و بلاغت ارائه شده است. اهتمام سعدی در ساده‌نویسی و استفاده از کلمات قابل فهم تاثیر بسیاری بر جذب مخاطبان بیشتر از هر قشری دارد و این مهم در بوستان و گلستان سعدی به اوج می‌رسد. «سادگی در گفتار و نوشتار فضیلتی است که هیچ آرایه دیگری قادر به جانشینی آن نیست» (بابایی، ۱۳۸۵: ۲۰). همخوانی و انس و الفت الفاظ و معانی در شاهکارهای سعدی، این آثار را به شاهکارهایی مطبوع و مؤثر تبدیل کرده است؛ به‌گونه‌ای که نثر سعدی در گلستان به لطافت و روانی شعر او در بوستان است و شعر سعدی در بوستان، لطافت و روانی نثر گلستان را دارد. تاکید سعدی بر ساده‌نویسی متأثر از قرآن کریم است. به‌عنوان نمونه، قرآن کریم زمانی که مؤمنان را از بیان عملی که خودشان انجام نمی‌دهند، نهی می‌کند، با بیانی بسیار ساده و روان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ» (صف/۲). هم‌چنین عالمان بی‌عمل در قوم یهود که علم تورات را تحمل کرده و خلاف آن عمل نمودند، بسان الاغی

برمی‌شمارد که بارهایی از جنس کتاب حمل می‌کنند: «کَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا» (جمعه/۵)؛ درحالی‌که هیچ بهره‌ای از تحمل این بار عایدشان نمی‌گردد. سعدی نیز برای نمایاندن همین جایگاه، در عبارتی بسیار ساده و روشن «عالم بی‌عمل» را به «زبور بی‌عسل» (گلستان، ۱۳۸۴: ۱۸۴) مانند کرده است.

ساده‌نویسی به‌ویژه در عصر سعدی که اظهار فضل رواج یافته و مایه افتخار بود، در واقع حرکت کردن در خلاف جهت رایج بود؛ لیکن سعدی با ارئه‌ی سبک خاص خویش، ساده‌نویسی را به‌عنوان مؤلفه‌ای بسیار مهم و اثرگذار در جذب مخاطب معرفی کرد. «زیبایی خاصی که در سادگی نهفته است و از چشم بسیار کسان پوشیده می‌ماند در نظر سعدی درخششی خاص دارد. سعدی به برکت فکر بلند و نظر ژرف‌بین و ذوق سلیم خویش توانسته است بسیاری از اصول مهم و دقیق اخلاقی و اجتماعی یا موضوعات و نکات دیگر را با چند کلمه در این‌گونه تصاویر بدیع و جذاب بفشرد و اندیشه‌ها و تصورات ذهنی‌اش را در کمال هنرمندی در این کتاب نقش کند؛ به‌طوری‌که هرکس با اندک تاملی به منظور او پی می‌برد. یکی دیگر از موجباتی که این کتاب مقبول عموم واقع شده است نیز همین است؛ یعنی از محیط مانوس همگان تمثیل‌ها و تصویرهای اندیشیدنی و دیدنی جستن، و با کلمات و زبان ساده‌ی مردم آنها را به سلک عبارت کشیدن. این است که همه‌ی فارسی‌زبانان از نثر گلستان لذت برده‌اند و می‌برند؛ زیرا به زبان خود آنان سخن می‌گوید و پرده‌هایی که پیش چشم‌شان می‌آورد، آشناست و چشم‌نواز، نه پر از اشباح و خیالات دور از دسترس» (یوسفی، ۱۳۸۶: ۲۷۶). شیوه‌ی سخن بی‌تکلف و شفاف سعدی و این نکته که هیچ‌یک از مقلدان وی نتوانسته‌اند در این مسیر همپا و همتای سعدی شوند، همان مفهوم سهل و ممتنع بودن سخن اوست که به‌عنوان یک ویژگی برجسته و ممتاز اختصاص به سبک سعدی دارد و همواره بوستان و گلستان سعدی را به ذهن متبادر می‌کند. بسیاری از بزرگانی که در هر دو قلمرو نظم و نثر داد سخن داده‌اند، لیکن تاکنون کسی نظیر سعدی نتوانسته است آمیزه‌ای شگفت‌انگیز از لفظ و معنی را با نثری آهنگین و شعری روان بیافریند.

گلستان را از نظر فصاحت کلام و روانی سخن بهترین متون ادبی می‌دانند؛ زیرا «نثر گلستان ساده می‌نماید و طبیعی، حتی نزدیک به زبان محاوره، ولی دستی هنرمند در آن به لطف هنر، موجی نرم برانگیخته که بر حسنش افزوده و اثر انگشت نگارگر نویسنده پس از تامل معلوم می‌شود نه در نظر اول. این‌گونه هنرنمایی که آسان جلوه می‌کند البته دشوار است» (همان: ۲۷۲). این سادگی و روشنی بیان سعدی، گلستان را در اوج لطف و زیبایی به‌عنوان نثر ساده‌ی عهد کلاسیک فارسی سرمشق

بلاغت فارسی کرده است و لطافت و سلاست کلام سعدی در بوستان نیز آن را در زمره‌ی برترین آثار ادبی قرار داده است؛ زیرا سعدی با گشودن دریچه‌ای نو در ساحت سخن، شاهکارهای نوین و بی‌مانندی خلق کرد که مشابه آن تاکنون تکرارناپذیر بوده است. همین صراحت‌گویی، روشنی و روانی نوشته‌ها و سادگی زبان است که منجر به جذب مخاطبان بیشتر می‌شود. «زیبایی پاره‌ای از سخنان به سبب پیرایه‌های آن است و بعضی سخنان بی‌هیچ پیرایه زیبا و نافذست. سخن سعدی از این دست است؛ یعنی بی‌هیچ پیرایه زیباست. احساس می‌شود که این زیبایی از درون آن می‌جوشد و به قول روزبهان، ذاتی است و فراتر از چهارچوب بلاغت و بدیع و حتی پیش از آنکه چنین ملاک‌هایی به ذهن درآید، زیبایی آن به کمال خودنمایی می‌کند و در مخاطب خود نفوذ می‌نماید» (نیری، ۱۳۹۰: ۱۸).

ب- حکایت و تمثیل در خدمت ادب تعلیمی: پرداختن به قصه‌پردازی، داستان‌گویی و تمثیل در قرآن کریم، از جذاب‌ترین روش‌های اثرگذاری مطلوب برای تاثیر تربیتی و پیام‌رسانی سازنده در جذب مخاطب است. خداوند متعال برای تبیین مقاصد و آموزه‌های قرآنی بسیاری از رویدادها را با زبان ادبی و هنری در قالب مثل و قصه طرح کرده است تا نفوذ و اثرگذاری بیشتری در دل مخاطبان داشته باشد: «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَاسٍ لِّعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (حشر: ۲۱) و آنان را به تامل و تفکر وادارد: «وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لِّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (زمر: ۲۷). قرآن کریم در آیات متعددی هدف از بیان مثل‌ها و قصص قرآنی را تنبه و تذکر مخاطبان ذکر کرده است و با همین مقصود، حجم زیادی از آیات قرآن مشتمل بر حکایت‌ها و تمثیل‌های آموزنده‌ای است که ظاهری داستانی اما محتوایی تعلیمی دارند. «در این کتاب آسمانی بکارگیری مثل و قصه برای بیان بهتر آموزه‌های اخلاقی و معنوی است. به عبارت دیگر، هدف از کاربرد تمثیل در قرآن را باید تأثیر عمیق‌تر آموزه‌های این کتاب دانست تا هرکس با هر میزانی از درک و فهم، آن‌ها را دریابد و بکار گیرد» (رضازاده و شاهرودی، ۱۳۹۱: ۵۸).

قرآن کریم صراحتاً به عبرت‌آموزی قصص قرآنی اشاره کرده است: «همانا در قصه‌گویی آنان برای خردمندان عبرتی نهفته است» (یوسف/۱۱۱). همچنین داستان را ابزاری برای تامل و تعمق می‌داند که آدمی را به تفکر وامی‌دارد: «داستان‌ها و حکایت‌ها را بازگو کن شاید که اندیشه کنند» (اعراف/۱۷۶). «سر استفاده از روش‌های گوناگون در دعوت و تعلیم آن است که انسان‌ها گرچه از فرهنگ مشترک فطری برخوردارند، لیکن در هوشمندی و مراتب فهم یکسان نیستند و به تعبیر برخی روایات همانند معادن طلا و نقره متفاوتند. برخی از مخاطبان قرآن کریم، انسان‌های ساده‌اندیش و برخی حکیمان

فرزانه و ژرف‌اندیشان باریک‌بین‌اند. از این‌رو لازم است کتاب جهان‌شمول الهی، معارف فطری را با روش‌های متفاوت و در سطوح گوناگون تبیین کند تا ژرف‌اندیشان محقق به بهانه‌ی نازل بودن بودن مطالب وحی، خود را بی‌نیاز از آن نپندارند و ساده‌اندیشان مقلد به دستاویز پیچیدگی معارف آن، خود را محروم نبینند. بر این اساس قرآن کریم نه تنها از راه حکمت و موعظه و جدال احسن رهاورد خویش را ارائه کرده است، بلکه بسیاری از معارف خود را در چهره‌ی مثل نمودار ساخته و از راه تمثیل آنها را تنزل داده است تا برای مبتدیان، تعلیم و برای محققان و خردپیشگان، تأیید و در نتیجه فهمش میسر همگان باشد» (بابایی، ۱۳۸۵: ۱۰؛ به نقل از جوادی آملی، تسنیم، ج ۱، ۱۳۷۹: ۴۰).

زبان داستان همواره موافق طبع انسان است. از این‌روی قرآن کریم این زبان را برای ابلاغ حجم عمده‌ای از اهداف دینی خود به‌کار گرفته است. بخش زیادی از آیات قرآن کریم حاوی داستان‌های لطیف و آموزنده است. «الکواز معتقد است: قرآن یک دعوت دینی است و قصه یکی از ابزارهای ابلاغ و پایدار کردن این دعوت و به حقیقت رساندن غرض‌های دینی است. آثار ماندگار و بزرگی همچون گلستان سعدی، شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی و مثنوی معنوی و همچنین آثار ویکتور هوگو، شکسپیر و گوته که به‌صورت داستان تقریر شده، نشان از اهمیت و نقش بسزای داستان در آموزش و ماندگاری پیام دارد» (رضازاده و شاهرودی، ۱۳۹۱: ۶۱). سعدی نیز با اثرپذیری از این ویژگی قرآن کریم، از حکایت و تمثیل به‌عنوان روشی برای تصویرسازی و مجسم کردن موضوعات و شیوه‌ای برای آموزش و انتقال مفاهیم بهره گرفته است. «به‌طور معمول، مردم برای بیان سریع مقصود خود و تأثیرپذیری بیشتر آن، از مثل استفاده می‌کنند. ایجاز، روشنی و وضوح، تأثیر عمیق و سریع بر مخاطب، شیرین و دلنشین بودن از ویژگی‌های مثل است... در واقع، تمثیل ساده اخلاقی، حکایتی است که در آن درونمایه بر صورت غلبه دارد. حکایات اخلاقی در بوستان و گلستان نمونه‌هایی از این نوع تمثیل می‌باشد» (همان: ۶۲). سعدی با اثرپذیری از اسلوب بی‌نظیر داستان‌های قرآنی ضمن پردازش مفاهیم و مبانی تربیتی مدنظر خود در لابه‌لای داستان‌ها و تمثیل‌ها، آن‌ها را با چاشنی عبارات موزون و دل‌انگیز معطر کرده است تا طعم موعظه و اندرز نداشته باشند. به‌عنوان نمونه، ضمن حکایتی کوتاه، از شبی در ایام طفولیت یاد کرده و می‌گوید: «در خدمت پدر نشسته بودم و همه‌شب دیده بر هم نبسته و مصحف عزیز در کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته»؛ و در چنین حالتی به پدر گفته است: «یکی از اینان سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگزارد». نکته در جواب تأمل‌برانگیز پدر است که می‌گوید: «جان

پدر! تو نیز اگر بختی، به از آن که در پوستین مردم افتی». سپس با دو بیت شعر حکایت را کامل تر و دل‌پذیرتر می‌کند:

نبیند مدعی جز خویشان را که دارد پرده‌ی پندار در پیش
گرت چشم خدایی ببخشند نبینی هیچ‌کس عاجزتر از خویش

(گلستان، ۱۳۸۴: ۸۹).

سعدی با درک درست ظرافت‌های قرآن کریم در جذب مخاطب، از حکایت و تمثیل به‌عنوان ابزارهای پرترفدار ادبی در جهت انتقال آموزه‌های اخلاقی و جذب بیشتر مخاطب در شاهکارهای خود بهره‌ی فراوان جسته است. «تمثیل ابهامی هنری دارد و نیازمند تأویل است. ابهام تمثیل، آگاهانه و عمدی است. گوینده، اندیشه یا پیام خود را گاه به سبب ترس از بیان مستقیم در لفافه‌ی قصه می‌پیچد و گاه برای ایجاد تأثیر و ماندگاری معنی، آن را غیرمستقیم و در قالب حکایت بیان می‌کند؛ روشی که واعظان پیش از دیگران آن را به‌کار برده‌اند، و گاه برای واداشتن شنونده به تفکر و برانگیختن تخیل، لباس تمثیل به آن می‌پوشانند» (رضازاده و شاهرودی: ۱۳۹۱: ۶۳؛ به نقل از اسماعیل سعادت، دانشنامه زبان و ادب فارسی: ۴۲۳). اینکه سعدی برخی حکایت‌های موجز خود را ماهرانه در چند سطر تصویر می‌کند، یکی از دلایل ماندگاری بیشتر سخن او در اذهان است. به‌عنوان نمونه، گفت‌وگوی کوتاه و شنیدنی دو برادر که یکی خدمت سلطان می‌کند و توانگر است و دیگری به سعی بازو نان می‌خورد و درویش است: «باری توانگر گفت درویش را: چرا خدمت نکنی تا از مشقت کار کردن برهی؟ گفت: تو چرا کار نکنی تا از مذلت خدمت رهایی یابی؟ که حکما گفته‌اند: نان خود خوردن و نشستن به از کمر زرین به خدمت بستن» (گلستان، ۱۳۸۴: ۸۳). بیان هنری سعدی را باید مرهون هنرنمایی‌های قرآن کریم دانست؛ زیرا سعدی مفاهیم ادب تعلیمی برگرفته از قرآن کریم را کارمایه‌ی آفرینش فضای حکایت‌های خود قرار داده است تا ضمن به خدمت گرفتن این ابزار ادبی پرترفدار و همه‌پسند، بر نفوذ و اثرگذاری آموزه‌های دینی بر دل و جان مخاطبان بیفزاید. درواقع، سعدی بر نقش الگوسازی، موعظه، مناظره و داستان‌سرایی در تربیت واقف است و با استفاده از مثل‌هایی زیبا در قالب حکایت و تمثیل به بررسی تأثیر استعداد ذاتی و گوهر وجودی در تربیت می‌پردازد و قسمت عمدی آثارش متأثر از موضوع اخلاق و تربیت است. بهره‌گیری از تمثیل و حکایات عبرت‌آموز برای تأثیر و نفوذ بیشتر بر مخاطبان از جمله شیوه‌های موفق بیان مضامین اخلاقی است. جنبه‌های آموزنده‌ی حکایات بوستان و

گلستان و تعمیم‌پذیر بودن اغلب عبارات و اشعار پندآموز سعدی در میان طبقات مختلف مردم، همگان را تحت تاثیر قرار می‌دهد و این‌که سعدی پیام خود را در محمل حکایت عرضه می‌دارد، قدرت نفوذ کلامش را افزایش می‌دهد و قلم توانای سعدی توانسته است با این روش، قابلیت‌های صحنه‌پردازی و جنبه‌های تصویری فراوانی در بوستان و گلستان خلق کند.

حکایات سعدی عموماً سرشار از موعظه و مطایبه است و در عین حال، بسیاری از حکایات‌ها حاوی مفاهیم قرآنی و برگرفته از آموزه‌های قرآنی است. به عنوان نمونه: «صیاد بی‌روزی ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی‌اجل بر خشک نمیرد» (همان: ۱۱) که برگرفته از این آیه ۶ سوره شریفه هود می‌باشد: «و ما مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا». و یا حکایتی دیگر از این دست: «بلبلان را شنیدم که به نالش درآمده بودند از درخت و کبکان در کوه و غوکان در آب و بهایم در بیشه؛ اندیشه کردم که مروت نباشد همه در تسبیح و من به غفلت خفته» (همان: ۹۷). سعدی در این حکایت به آیه ۴۴ سوره اسراء نظر دارد: «و إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ».

سعدی در داستان‌های خود با بهره‌گیری از شیوه‌ی عالمانه و با تکیه بر عنصر اخلاق، فرهنگ اسلامی را به خواننده تعلیم می‌دهد و در تمامی پندهایی که لابه‌لای حکایت‌ها بیان می‌کند، عزت و شرافت انسان را مدار اندیشه‌ورزی‌های خود قرار می‌دهد. حکایت‌های سعدی در بوستان و گلستان همگی برگرفته از گلزار معارف دینی است و سعدی با این شیوه به اشاعه و احیای فرهنگ ناب اسلامی پرداخته و اصول اخلاق اسلامی را با تاملی عمیق بیان کرده است. از میان شاعران اخلاق‌گرای ادب فارسی، سعدی هنرمندی است کم‌نظیر که آموزش‌های اخلاقی خود را با ذکر حکایت و تمثیل در ذهن مخاطب ماندگار می‌سازد و عصاره‌ی تجربیات خویش را با رنگ و بوی آموزه‌های اسلامی درمی‌آمیزد. بوستان و گلستان سعدی واجد مولفه‌های مهم اخلاقی و تربیتی است و سعدی جامعه‌ی آرمانی خود را با زبانی شیرین و رسا در قالب داستان‌هایی جذاب و دلکش به تصویر کشیده است (ابراهیمی و ترابی، ۱۳۹۴: ۲۹). وی در سایه‌ی این نگرش با بهره‌گیری از قوانین ادب تعلیمی، بازتاب نیکی و بدی را در چهره‌ها و شخصیت‌های متفاوتی نظیر امیر و وزیر به تصویر می‌کشد و با رعایت ایجاز و اختصار، سیمای عزت و ذلت را در رفتار و کنش این قبیل شخصیت‌ها ترسیم می‌کند.

در بوستان، «سعدی داستان را در حکم ابزاری تربیتی، اخلاقی و اجتماعی در خدمت اهداف آموزشی خود در می‌آورد و شگردهای او در این زمینه محدود به این است که داروی تلخ نصیحت و اندرز را در قشری از زبان و بیان زیبا فروپيچد. از این‌رو تکنیک و فرم داستان برای او موضوعیت

چندانانی ندارد» (غلام، ۱۳۸۲: ۲۹). سعدی با شیوه‌ی سهل و ممتنع که سبک خاص اوست در خلق شاهکارهای ادبی ماندگار، بسان ریخته‌گری متبحر اندرزه‌های سازنده و آموزه‌های اخلاقی خود را در قالب‌هایی از جنس حکایت شکل می‌دهد و در بطن مضامین پندآموز سعدی رنگ و بویی از تملق راه ندارد؛ بلکه حکایت‌ها و مثل‌های وی همواره از سر دلسوزی و با هدف تنبه و تهذیب اخلاق ساخته و پرداخته می‌شود:

دل بوستان جمع بهتر که گنج خزینه تهی به که مردم به رنج

(بوستان، ۱۳۸۴: ۵۷).

ج- طنز و مطایبه، ابزاری در خدمت ادب تعلیمی: پرداختن به طنز در برخی آیات از دیگر ویژگی‌های قرآن کریم است. این خصیصه در قرآن کریم همواره با هدف تنبه و پندآموزی بکار رفته است و به‌عنوان یک ویژگی اثرگذار به ماندگاری مطلب و جذب مخاطب کمک می‌کند. به‌عنوان نمونه می‌توان به تعبیر ریشخندآمیز درباره عذاب کشیدن سران کفار اشاره کرد که در رستاخیز گرفتار جهنم می‌شوند: «ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ» (دخان / ۴۹).

سعدی نیز با الهام از شیوه‌های قرآنی، آن‌چنان هنرمندانه و جذاب آموزه‌های اخلاقی و تعالیم قرآنی را به «شهد ظرافت» تزیین می‌کند که گاه مخاطب فراموش می‌کند با یک اثر تعلیمی و آموزشی مواجه است و روح تعلیمی و خطابی اثر به چشم نمی‌آید. «یکی در مسجد سنجان، به تطوع بانگ نماز گفتمی به ادایی که مستمعان را از او نفرت گرفتندی و صاحب مسجد امیری بود عادل، نیکوسیرت، نمی‌خواستش که دل‌آزرده شود. گفت: ای جوانمرد این مسجد را مؤذنانند قدیم، هر یکی را پنج دینار می‌دهم، تو را ده دینار بدهم تا جایی دیگر روی. بر این سخن اتفاق افتاد و برفت. بعد از مدتی به گذری پیش امیر باز آمد و گفت: ای امیر! بر من حیف کردی که به ده دینارم از آن بقعه روان کردی، که اینجا که رفته‌ام، بیست دینارم می‌دهند که جایی دیگر روم و قبول نمی‌کنم. امیر بخندید و گفت: زینهار تا نستانی که به پنجاه دینار راضی گردند.

به تیشه کس نخراشد ز روی خارا گل چنان‌که بانگ درشت تو می‌خراشد دل

(گلستان، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

طنزهای سعدی نیز مانند طنزهای قرآن کریم هیچ‌گاه با هدف سرگرمی و لذت محض نوشته نشده‌اند، بلکه همواره آموزش و ماندگاری سخن مدنظر بوده است؛ به همین منظور سعدی لطف و حکمت را با مطایبه و طنز درآمیخته است تا مخاطب ضمن بهره بردن از عبارات طنزآمیز دلنشین که به ذائقه خوش می‌آید، از فحوای کلام نیز حظ معنوی ببرد. سعدی در بیان بسیاری از نابسامانی‌ها و ناملایمات روزگار، سخن را در غلاف مستحکمی از طنز و مطایبه می‌پیچاند و واقعیت تلخ را در لغافه‌ی شیرین‌سخنی عرضه می‌کند تا به مذاق مخاطب خوش‌تر آید و ضمن تلذذ از این هنرنمایی، به نوعی درگیر تهییج احساسات و اندیشه‌ها شود و با تامل در ژرفای نکات موجود در طنز به عمق واقعیت پی ببرد. به‌عنوان نمونه، در ضمن حکایتی از بوستان در مورد مردی عارف‌مسلک که خشک‌دست بود و عده‌ای فقیر مهمان او شده بودند، از زبان یکی از میهمانان خطاب به وی می‌گوید:

به خدمت منه دست بر کفش من مرا نان ده و کفش بر سر بزن

(بوستان، ۱۳۸۴: ۸۹).

و نمونه‌ای از گلستان: «توانگرزاده‌ای را دیدم بر سر گور پدر نشسته و با درویش‌بچه‌ای مناظره در پیوسته که صندوق تربت پدرم سنگین است و کتابه رنگین و فرش رخام انداخته و خشت زرین در او ساخته، به گور پدرت چه ماند: خشتی دو فراهم آورده و مشتی دو خاک بر آن پاشیده؟ درویش‌پسر این بشنید و گفت: تا پدرت زیر آن سنگ‌های گران بر خود بجنینده باشد، پدر من به بهشت رسیده باشد».

(گلستان، ۱۳۸۴: ۱۶۲).

سعدی چنان مهارتی در دعوت مخاطبان به نیکی‌ها و نهی از بدی‌ها دارد که علاوه بر نصایح حتی اوامر و نواهی وی نیز بر جان مخاطبان می‌نشیند. «طنزگویی حرفه‌ی سعدی نیست و او از طنز و وسیله‌ای برای آرایش سخن خود نساخته است، بلکه اقتضای سخن تذکر این است که طرب‌انگیز و طیب‌آمیز باشد. به همین جهت است که سعدی از دراز شدن زبان کوتاه‌نظران پروا نمی‌کند و داروی تلخ نصیحت را به شهد ظرافت درمی‌آمیزد تا طبع ملول خوانندگان از دولت قبول محروم نماند و از این وجهی از هنر هنرمندان بزرگ و یکی از بزرگ‌ترین آنان یعنی سعدی است» (داورانی اردکانی، ۱۳۹۵: ۵۳). هدف غایی سعدی آن است که زبان فصیح و فکر پخته‌ی خود را در خدمت به خلق بکار گیرد و ادب تعلیمی را با زبان فصیح جلا دهد. بنابراین هیچ‌گاه چهره‌ی سعدی را عبوس نمی‌بینیم، بلکه او را انسانی آرام با فطرتی معتدل می‌بینیم که مهم‌ترین دغدغه‌اش معتقدات دینی است و زبان فصیح خود را در خدمت ترویج این معتقدات بکار گرفته است.

د- نظم آهنگ و واژگانی و موسیقی کلام، ابزار دل‌انگیز نمودن کلام: قرآن کریم به‌عنوان معجزه‌ی جاوید پیامبر^(ص) از جنس سخن و در عالی‌ترین سطح زبانی و بیانی از نظر فصاحت و بلاغت است که در فخامت لفظ و شکوه معنی در اوج عظمت و اقتدار قرار دارد. برخی آیات آن زیبایی‌های ظاهری الفاظ را به رخ می‌کشد و برخی آیات از لحاظ معنوی از جذبه‌ی بالایی برخوردار است. اثرپذیری سعدی از قرآن کریم علاوه بر جنبه‌های معنوی نظیر تعلیمی بودن و مملو بودن از مضامین پندآموز و حکمی، از لحاظ لفظی نیز بسیار نظرگیر است. از جمله‌ی این موارد می‌توان به موسیقایی بودن بسیاری از آیات دلنشین قرآن اشاره کرد که به‌شدت ذوق مخاطب را برمی‌انگیزد و گاه از وزن آهنگ و اژه‌ها مفهوم آیات به گوش می‌رسد: «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا وَ...». این آیات بدون نیاز به ترجمه یادآور زلزله‌ی سخت روز قیامت است و تکرار صامت «ز» منجر به نغمه‌آرایی زیبایی شده است که در واژه‌ی زلزله نیز تکرار شده است. افزون بر این، حروف درشت و خشن «خ»، «ض» و «ث» نیز برای خوفناک‌تر و ثقیل‌تر نمایاندن حادثه به کمک لفظ آمده‌اند تا سنگینی و عظمت زلزله‌ی روز قیامت را با مهابت و هیبت بیشتری به نمایش بگذارند. شواهد این هنرنمایی در قرآن کریم بسیار زیاد است و واج‌آرایی در بسیاری از آیات این کتاب گرانسنگ الهی مشهود است. این خصیصه از عمده‌ترین عوامل بیانی است که به موسیقایی شدن کلام منجر می‌شود و کلام الهی پیشرو در ارائه‌ی این آرایه مطبوع و اثرگذار است.

سعدی در این مورد نیز پرتوی از تشعشعات انوار و حیایی برگرفته و با اثرپذیری از این جلوه‌گری قرآن کریم، بسیاری از عبارات کوتاه و موجز خود را با لحنی آهنگین و موسیقایی، دلنشین و به یاد ماندنی کرده است تا با این شیوه قدرت ماندگاری و اثرگذاری کلام در ذهن مخاطب بیشتر شود. «سعدی در توصیفات خود به موزونی و روانی سخن مخصوصاً به موسیقی کلمات توجه کامل دارد» (دشتی، ۱۳۸۰: ۳۷). و از این طریق حس مدنظر خود را با ابزارهایی از جنس حروف و کلمات به مخاطب القا می‌کند. به‌عنوان نمونه، در گلستان می‌گوید: «هرکه را زر در ترازوست، زور در بازورست» (گلستان، ۱۳۸۴: ۱۴۶). و نیز نغمه‌آرایی در ابیات بوستان:

«به داور خروش ای خداوندِ هوش نه از دستِ داور برآور خروش»

(بوستان، ۱۳۸۴: ۱۴۰)

«چه خوب است تشریفِ میرِ ختن وز او خوب‌تر خرقره‌ی خویشتن»

(همان: ۱۴۸).

ه- ایجاز و اختصار لازمه‌ی ماندگاری کلام: یکی از جذابیت‌های قرآن کریم به ویژه در مورد سوره‌های مکی، کوتاه بودن سوره‌ها و آیات است. قرآن کریم در برخی موارد با رجحان دادن اختصار و ایجاز بر تفصیل، آیات کوتاه اما پرمحتوایی را در خود گنجانده که به شدت از ویژگی ایجاز برخوردارند و حاوی نکات تعلیمی مهمی هستند که به دلیل کوتاهی و اختصار به راحتی قابلیت ماندگاری در اذهان را دارند. به عنوان نمونه: «وَالضُّحَىٰ؛ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ» (سوره شریفه ضحی)؛ «الْقَارِعَةُ؛ مَا الْقَارِعَةُ؛ وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ» (سوره شریفه قارعه)؛ «وَالْفَجْرِ؛ وَكَيْلِ عَشْرِ؛ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ؛ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِر» (سوره شریفه فجر). نظیر این ویژگی در آیات قرآن کریم بسیار فراوان است و سعدی از این مولفه نیز برای ماندگارتر شدن آموزش‌ها و جذب بیشتر مخاطبان بهره‌ی فراوان برده است. سعدی را باید استاد مسلم موجزنویسی و ایجازهای هنرمندانه و رسا دانست. ایجازهای سعدی به قدری بجا و رندانه است که به قول ادیب معاصر، محمدعلی فروغی «ایجاز گاهی به درجه اعجاز می‌رسد» (فروغی، ۱۳۹۳: ۳۱). به عنوان نمونه، حکایت کوتاه و آموزنده‌ی زیر:

«یکی از پادشاهان پارسایی را دید، گفت: هیچت از ما یاد می‌آید؟ گفت: بلی، هر وقت که خدا را فراموش می‌کنم» (گلستان، ۱۳۸۴: ۹۲).

سعدی ضمن رعایت اصل ساده‌نویسی و اعتدال، در پرداختن به ایجاز بسیار موفق عمل نمود؛ به گونه‌ای که ایجازهای سعدی را می‌توان از بارزترین ویژگی‌های سبک روایی او دانست که به ویژه در عبارات منثور چون نوعروسی خوش‌سیما، خرامان و شادان در دشت گلستان می‌خرامد و خودنمایی می‌کند. به عنوان نمونه، آنجا که در حکایتی از گلستان می‌خواهد از عنفوان جوانی و جوش و خروش عشق جوانی یاد کند که سر و سرّی با شاهی داشته، به زیبایی هرچه تمام‌تر و بدون پرداختن به حاشیه و مقدمه یا اندک اشاره‌ای مستقیم، در نهایت ایجاز می‌گوید: «چنان که افتد و دانی» (همان: ۱۳۸).

یکی از جلوه‌های بدیع هنر سعدی این است که مفاهیم و آموزه‌هایی که شاید بارها پیش از وی نیز در نظم و نثر تاریخ ادبیات ایران مسبوق به سابقه بوده است، با قدرت بیان خاص خود به گونه‌ای تلفیق و تنظیم کرده است که آن را به عنوان اثری هنری با سبکی خاص متجلی ساخته است. به عنوان نمونه، زمانی که دزدی در لباس درویش، درجی می‌دزدد، بجای توصیف طولانی و عبارت‌پردازی در مورد فرار پر شتاب آن شخص، می‌گوید: «تا روز روشن شد، آن تاریک مبلغی راه رفته بود» (همان: ۸۸). و یا در حکایتی دیگر، زمانی که در جامع بعلبک مواعظ خود را در مستمعان بی‌اثر می‌بیند، می‌گوید: «دیدم که

نفسم در نمی‌گیرد و آتشم در هیزم تر اثر نمی‌کند. دریغ آدمم تربیت ستوران و آینه‌داری در محلت کوران» (همان: ۹۰).

ایجازهای هنرمندانه‌ی سعدی چیزی از رسالت کلام او نمی‌کاهد و مفهوم متن با زیرکی در حداقل کلمات گنجانده و منتقل می‌شود. از این‌رو ایجازهای وی همواره با سادگی و در عین حال استحکامی قوی و روشن مواجه است. به تعبیر مرحوم دشتی (۱۳۸۰: ۳۶۱) «سعدی ایجاز و جزالت را بهم آمیخته». برخورداری از تفکر و تخیل قوی و نیز آوردن تصاویر بدیع و متعدد برای یک موضوع توأم با روشنی و سادگی سبک از موجبات حسن قبول و رواج سخن سعدی است. به علاوه قدرت قریحه‌ی سعدی از لحاظ گزینش و زدودگی کلمات و حسن ترکیب و لطف بیان، شگفت‌آور است؛ تا جایی‌که قادر است هر اندیشه‌ی معروف و معهود را به چنان کسوت زیبایی درآورد که پرتاثیر و پایدار بماند. این ایجازهای بجا و زیبا بر شهرت و صیت آوازه‌ی سخن سعدی افزوده است و ضمن اثرگذاری بسیار در جلب توجه و جذب مخاطب، موجبات ماندگاری عبارات موجز و روشنگرانه‌ی سعدی را فراهم آورده است. ماحصل این مصداق را باید در بیت زیبایی از بوستان یاد کرد که تمام حق مطلب را در همین شاه‌بیت گنجانده است:

«حذر کن ز نادان دهمرده‌گوی / چو دانا یکی گوی و پرورده‌گوی»

(بوستان، ۱۳۸۴: ۱۵۴).

نتیجه

قرآن کریم خورشید هدایتی است که فروغ آیاتش به شیوه‌های گوناگون بر شاهکارهای سعدی پرتو افکنده است؛ به گونه‌ای که این صحیفه‌ی آسمانی، مهم‌ترین منشاء ایجاد مضامین تازه و معانی دقیق در بوستان و گلستان بوده است. پیروی‌های مکرر و متنوع سعدی از روش‌های قرآن کریم در زمینه‌ی جذب مخاطب مؤید آن است که بیان هنری سعدی بیش از هر چیز مرهون شیوه‌های قرآنی بوده و به همین دلیل بسامد الفاظ و مضامین عالی قرآنی در لفظ و محتوای شاهکارهای وی بسیار نظرگیر است.

محوری‌ترین ویژگی که سعدی در بحث اثرپذیری از قرآن کریم در زمینه‌ی جذب مخاطب به‌شدت متأثر از آن بوده، تعلیمی بودن بوستان و گلستان است. اخلاق و تربیت درونمایه‌ی آثار اوست و سعدی با درک این مهم که ساده‌گویی و آسان‌نویسی از بهترین راه‌های جذب مخاطب است، این مفاهیم را به‌صورتی روان و تاثیرگذار بیان نموده و در عین رعایت سادگی و زیبایی، قوت الفاظ و تازگی افکار را کارمایه آفرینش شاهکارهای خود قرار داده است. ایجازهای سعدی به‌ویژه در عبارات منثور از بارزترین ویژگی‌های سبک روایی اوست و صبغه‌ی دینی شاهکارهای او نشان می‌دهد که سعدی با عشقی عمیق، عناصر فرهنگ اسلامی را در عباراتی موجز و آهنگین گنجانده است. زبان آهنگین از زیباترین الگوهای قرآنی است که سعدی در این مورد نیز پرتوی از تشعشعات انوار وحیایی برگرفته و به مدد این هنر دلنشین، نصایح و عبرت‌ها و حکمت‌های مدنظر خود را با کلمات و عبارات نغز و دلکش به مخاطب عرضه داشته است.

نفوذ کلام سعدی مرهون اندیشه‌های بلند اوست و بسیاری از عبارات سعدی به دلیل فصاحت سحرآسای او در زبان فارسی حکم مثل یافته‌اند. پرداختن به قصه‌پردازی و تمثیل از جذاب‌ترین روش‌های اثرگذاری مطلوب در جذب مخاطب است و تبیین اندرزها در قالب حکایت، به تأسی از قرآن کریم از دیگر دلایل توفیق اوست. سعدی با درایت تمام از خلال این خاطرات و حکایات پیام خود را به شکلی نامحسوس و در عین حال بسیار اثرگذار به مخاطب انتقال داده و مفاهیم آموزه‌های دینی را در آفرینش فضای حکایت‌ها بکار گرفته است.

پرداختن به طنز در برخی آیات از دیگر ویژگی‌های قرآن کریم است که در ساختار سبکی آثار سعدی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و سعدی توانسته است با تبحر تمام در بکارگیری این شگرد جذاب، با

یک‌رنگی و صداقتی دوستانه، سخنان نغز و حکیمانه‌ی خود را با مخاطب در میان نهد و ضمن نشان دادن تبسمی شیرین بر لب‌ها، مخاطب را به تفکر و تاملی عمیق وادارد. سعدی آموزه‌های اخلاقی و تعلیم قرآنی را آن‌چنان هنرمندانه به شهد ظرافت آراسته که روح تعلیمی و خطابی اثر به چشم نمی‌آید و مخاطب ضمن بهره بردن از عبارات طنزآمیز دلنشین که به ذائقه خوش می‌آید، از فحوای کلام نیز حظ معنوی می‌برد.

کوتاه سخن آنکه، تعدد و تنوع روش‌های مواجهه با مخاطب در قرآن کریم الگوی موفق‌ی بود که سعدی نیز به همین سبک و سیاق مفاهیم ادبی و تعلیمی را با شگردهای متنوع برای مخاطبان مختلف خلق کرد و زبان تعلیمی خود را به‌گونه‌ای تعمیم‌پذیر نمود که ضمن دارا بودن جذابیت‌های زبانی و بیانی، محدود به قشری خاص نباشد؛ از این روی دریافت‌های قرآنی و دینی را با هدف روشن‌گری با ابزارهای مختلف ادبی و با شگردهای جذاب هنری آراست تا با زبانی به شیرینی عسل و درخشندگی برق، در کلاس درسِ زندگی، اندرزها و عبرت‌ها را به مخاطبان بیاموزد. در یک کلام، سعدی جرعه‌نوش کلام الهی بود که از خرمن این صحیفه‌ی جاوید، خوشه‌های زرین برچید و با تنظیم و تبویب بوستان و گلستان، قریحه‌ی توانمند خود را در میدان نظم و نثر به منصف ظهور رساند. توجه ویژه به مسائل تربیتی و اخلاقی هدف کلیدی وی بود که به انحاء مختلف این هدف را در سرتاسر بوستان و گلستان دنبال کرد و با انگیزه‌ی گسترش دایره‌ی مخاطبان و اثرگذاری بیشتر، هنر خود را متأثر از قرآن کریم در قالب ادب تعلیمی به مخاطبان عرضه نمود.

منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم؛

۱. بستانی، محمود (۱۳۷۱)، «پژوهشی در جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن»، ترجمه جعفر شریعتمداری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۲. دشتی، علی (۱۳۸۰)، «در قلمرو سعدی»، تهران: نشر اساطیر.
۳. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹)، «حدیث خوش سعدی: درباره‌ی زندگی و اندیشه سعدی»، تهران: نشر سخن.
۴. سعدی، شیخ مصلح‌الدین (۱۳۸۴)، «بوستان»، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: نشر خوارزمی.
۵. سعدی، شیخ مصلح‌الدین (۱۳۸۴)، «گلستان»، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: نشر خوارزمی.
۶. سعدی، شیخ مصلح‌الدین (۱۳۹۳)، «کلیات»، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: نشر دوستان.
۷. یوسفی، غلامحسین (۱۳۸۶)، «دیداری با اهل قلم»، جلد اول، تهران: انتشارات علمی.

مقالات

۸. ابراهیمی، ابراهیم و ترابی، زینب (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی فرهنگ قناعت در قرآن کریم و بوستان و گلستان سعدی»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال سوم، شماره سوم، صص ۲۳-۴۸.
۹. بابایی، رضا (۱۳۸۵)، «درآمدی بر مخاطب‌شناسی»، فصلنامه پیام، شماره ۷۷، صص ۴-۲۴.
۱۰. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۶۴)، «مقایسه‌ای میان گلستان و اخلاق ناصری در شیوه‌ی آموزش فضایل اخلاقی»، ذکر جمیل سعدی (مجموعه مقالات و اشعار به مناسبت بزرگداشت هشتصدمین سالگرد تولد سعدی)، گردآوری کمیسیون ملی یونسکو، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، جلد سوم، صص ۱۳۸-۱۴۳.
۱۱. داورانی اردکانی، رضا (۱۳۹۵)، «مقام طنز و طیبت در سخن سعدی»، سالنامه سعدی‌شناسی، شماره ۲۰، صص ۴۳-۶۰.
۱۲. رضازاده، نیلوفر و شاهرودی، فاطمه (۱۳۹۱)، «جستاری بر انواع تمثیل در مثل‌ها و قصه‌های قرآن کریم»، مجله معرفت، شماره ۱۸۰، صص ۵۷-۶۸.

۱۳. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۸)، «سعدی، شاعر و معلم اخلاق»، سالنامه سعدی‌شناسی، دفتر دوم، صص ۱۸-۲۶.

۱۴. غلام، محمد (۱۳۸۲)، «شگردهای داستان‌پردازی در بوستان»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱۸۹، صص ۱۷-۳۸.

۱۵. موحد، ضیاء (۱۳۸۷)، «سعدی، شاعر ناصح»، سالنامه سعدی‌شناسی، دفتر یازدهم، صص ۲-۸.

۱۶. نیری، محمدیوسف (۱۳۹۰)، «موج سخن در غزل سعدی»، سالنامه سعدی‌شناسی، دفتر چهاردهم، صص ۱۸-۳۰.

پایان‌نامه

۱۷. بستانی کوهنجان، لیلا (۱۳۹۱)، «بررسی شیوه‌های ترغیب و تحذیر در گلستان سعدی»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.

The Most Effective Methods of Audience Attraction Centering on Educational Literature in Sa'adi's *Bustan* and *Gulistan* Influenced by the Holy Qur'an¹

Zeinab Torabi²

Kobra Nodehi³

Ebrahim Ebrahimi⁴

The Holy Qur'an as the highest manifestation of the Islamic culture is a book full of revelatory teachings. The overwhelming number of Qur'anic ayahs on educational topics and Sa'adi's in-depth understanding of this quality made the extent of his being influenced by the Qur'an very considerable. Some of the major Qur'anic features that strongly influenced Sa'adi are: the educational nature of the *Bustan* and the *Gulistan* as the most basic characteristic of the Holy Qur'an, the simplicity and clarity of the text, stories and parables, humor, rhythmic language and artistic brevity. The present study, within the framework of interdisciplinary studies on the Qur'an and Sa'adi's masterpieces, discussed the educational literature and some tools for perceiving it as the most effective methods of audience attraction. A theoretical-citation research method was used in this study that relied on Qur'anic data and aimed to analyze the effect of the Qur'anic culture on Sa'adi's viewpoint by explicating a number of strategies used for influencing the audience. The findings show that Saadi's success in being inspired by the Holy Qur'an predominantly lies in his choice of the literary

1-Date Received: January 8, 2020; Date Accepted: April 11, 2020

2-PhD student, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran.

3-Corresponding Author, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran; Email: Kooبرانodehi@gmail.com

type of educational literature that enjoys a very simple and expressive language, which while observing the musicality of language and tone of speech adopted from the brevity and miraculous nature of the Holy Qur'an, manifested his highest level of inspiration from this infinite source so that this very thorough application of Qur'anic teachings can be considered as the key to a kind of literary enjoyment that one feels when reading Sa'adi works.

Keywords: the Qur'an, audience attraction, educational literature, *Bustan*, *Gulistan*